

سخانه
شورای
سی

۲۵۰
مجموعه دست‌نویسات
۱۳۰۰
ع

AA

0.04

۲۹۴۱

۴۴/۵/۱۵

از اسامی در دست‌نویس
نیم‌شده و خورنیم
ع

ع

AA

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۰۷۶۶۷

کتاب

مؤلف

مترجم

شماره قفسه

۱۴۵۰۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۰۷۶۶۷

کتاب

مؤلف

مترجم

شماره قفسه

۱۴۵۰۲

۲۵۰
مجموعه دست‌نویسات
۱۳۰۰
ع

AA

0.04

۲۹۴۱

۴۴/۵/۱۵

از اسامی در دست‌نویس
نیم‌شده و خورنیم
ع

ع

AA

[illegible]
$$\frac{198.5}{2.544V}$$

در این چو بگویم بجا
غلامی قاضی م از خدا بخت
فقدان صاحبان شاه عباس بن درخان نوشته

بسم الله الرحمن الرحیم
اینکه از غلامی قاضی م از خدا بخت
فقدان صاحبان شاه عباس بن درخان نوشته
در این چو بگویم بجا
غلامی قاضی م از خدا بخت
فقدان صاحبان شاه عباس بن درخان نوشته

در این چو بگویم بجا
غلامی قاضی م از خدا بخت
فقدان صاحبان شاه عباس بن درخان نوشته
در این چو بگویم بجا
غلامی قاضی م از خدا بخت
فقدان صاحبان شاه عباس بن درخان نوشته

۱۰
 حضرت علی (ع)
 صاحب قیام که سر بر باد ببرد
 بر کتب است پست از هر که بخاند
 انصاف نیست که در وقت دولت او
 عاقلان را با جا پوستان
 بر این چرخ

[The page contains dense handwritten Persian script in Nasta'liq style, written diagonally from top-left to bottom-right. The ink is dark brown or black. There are several large, stylized red initials or rubrics interspersed throughout the text, such as 'بسم الله الرحمن الرحيم' at the beginning and other prominent letters like 'س' and 'م'. The handwriting is fluid and characteristic of the Safavid period.]

نیمه
در پیش روی درختش
سپاس و بجزش
چو جوی در پیش
اسا که درختش
ستون فایدا را باز آورده
برایش
بختش
ش
چو صفتش
ان

[illegible]

Handwritten manuscript page from the "Majma' al-Bihar" (The Sea of Knowledge), featuring dense Persian script in Nasta'liq style. The text is arranged in approximately 18 horizontal lines across the page. The ink is dark brown or black, showing some signs of age and wear. The paper appears aged and slightly discolored. The handwriting is fluid and characteristic of the late Safavid or early Qajar periods.

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

وینان
خاک حق نیست
از کرب که خدا را بکشد
در کرب که خدا را بکشد
خاست که نیکو است انبیا
و مقامات و اخلاقی
و از ایشان بر خدا با
بیشتر که از اهل
ترسیم بر تو امید دارم که اینست
و در حق میانی که ناموس است
که در این محبت که در حق
اینچنین چنان است و در میان
بهر آن که بر اندیشه و پند
و مقامات برایشان محبت لازم کرد و
اخوان ایستادند از این
و از ایشان محبت لازم کرد

نخستین ناموس
نخستین و بقیان ایستادند از این
نخستین و بقیان ایستادند از این
و در حق میانی که ناموس است
که در این محبت که در حق
اینچنین چنان است و در میان
بهر آن که بر اندیشه و پند
و مقامات برایشان محبت لازم کرد و
اخوان ایستادند از این
و از ایشان محبت لازم کرد

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

21

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

همه جانب داران را در
از این پس شلاق نمودن و رفتن آن که
قرب و با اینست که
شیرت داده که
شکر و هم آذوقه بایک
باشد عساکر هشتان
که در پیش
از این پس از این خط
اصلاح داده و حضرت
اندر و بر جان
کرده و فرستاده که
که در این
بوده و اینست که

دوستان به راه
بهره بخش به این خاک کینه
بسیار در این کتب کبریا
از غنای این کتب بهر خط
خداوند که بیکر
نیز که بیکر
بهره بخش به این خاک کینه
بسیار در این کتب کبریا
از غنای این کتب بهر خط
خداوند که بیکر
نیز که بیکر
بهره بخش به این خاک کینه
بسیار در این کتب کبریا
از غنای این کتب بهر خط
خداوند که بیکر
نیز که بیکر

دوستان به راه
بهره بخش به این خاک کینه
بسیار در این کتب کبریا
از غنای این کتب بهر خط
خداوند که بیکر
نیز که بیکر
بهره بخش به این خاک کینه
بسیار در این کتب کبریا
از غنای این کتب بهر خط
خداوند که بیکر
نیز که بیکر
بهره بخش به این خاک کینه
بسیار در این کتب کبریا
از غنای این کتب بهر خط
خداوند که بیکر
نیز که بیکر

[illegible][illegible][illegible][illegible]

ازین سخن
شبه گفت بخواجه که
دعوی مرا فاسد سازد ای بنی انجمن از تو
نیزیم و دست العزیز ای بنی انجمن از تو
چهار تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
اول تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
دوم تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
سوم تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
چهارم تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات

صدی
مسیحی حضرت آورده
دعوی مرا فاسد سازد ای بنی انجمن از تو
نیزیم و دست العزیز ای بنی انجمن از تو
چهار تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
اول تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
دوم تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
سوم تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
چهارم تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات

بنی انجمن
شبه گفت بخواجه که
دعوی مرا فاسد سازد ای بنی انجمن از تو
نیزیم و دست العزیز ای بنی انجمن از تو
چهار تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
اول تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
دوم تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
سوم تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
چهارم تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات

بنی انجمن
شبه گفت بخواجه که
دعوی مرا فاسد سازد ای بنی انجمن از تو
نیزیم و دست العزیز ای بنی انجمن از تو
چهار تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
اول تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
دوم تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
سوم تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات
چهارم تعبیر است که گفته شد از این تعبیرات

یکی در شهر
بارست **شیر** در بعضی
سینه بزرگ یکی از صحنه خست سینه
مقیه عید از خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
کمال غرقه و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
بشکافان و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
احدیت کردید و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
چیزی مشا و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
خزان و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
نموده فضل یکی از خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
در آن است و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
پانجا قسم سخای قوم فلان است و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
ایشان روم شایده فلان است و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
داشته و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
ادب و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو

ایشان از غنیمت یکی
زنده من از غنیمت یکی
اراده بزرگ یکی از صحنه خست سینه
فضل اصرار داشته فضل بر سینه او که ساقی بر صحنه
گفت اند و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
در صحنه یکی از خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
سیاهی از او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
ایل سون و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
شکران و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
قاصد یکی از خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
اقدار پس از او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
گویند یکی از خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
علاقه را فلان طبع و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
بامون گفت یکی از خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
در ای شایده و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
از قسم میوه و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
باز او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
از آن و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو
و او داشت و او را خورده های یکی از زبان خود در آن داشت و او چو

که بقیه مومنم
بودی از مردمی که در راه حق می رفتی
که چون کبریا شدی در این راه حق می رفتی
عده از پیشانی این پیکار می بودی
چند و سستی در این راه حق می رفتی
برینو چینی از آلهای داشتی که در راه حق می رفتی
براق جهان تپا می داشتی که در راه حق می رفتی
استغفار نمودی که در راه حق می رفتی
درد من نهاده چه در جهان که در راه حق می رفتی
این سخن را بفرمان نبرد علی صلواتی که در راه حق می رفتی
و مسجدی را در آنجا تمام کردی که در راه حق می رفتی
و آتش را بر آنجا تمام کردی که در راه حق می رفتی
و مسجدی را در آنجا تمام کردی که در راه حق می رفتی
و آتش را بر آنجا تمام کردی که در راه حق می رفتی

از این باب توجیه
نقبتی محضی داشته بود و لاجرم
تکلیف میسر تمام پیش آن او یافتند اندر مردم باو نیز
ایمان و بی توقع نشد اولیای دولت معروض شد که درین شهر ولایت
صد هزار صدق از اشغال بین محتاجان کسر استواران کرده اند و درین شهر
کمیخال صد هزار اشغال بین محتاجان کسر استواران کرده اند و درین شهر
آن از روی شیخ و مرقد و آن از روی شیخ و مرقد و آن از روی شیخ و مرقد
است و دراز و مسکنی و دراز و مسکنی و دراز و مسکنی و دراز و مسکنی
بیشتر که در چون نبر از نو و در اینجا چنانست که بگوید و در اینجا چنانست که بگوید
خود و در اینجا چنانست که بگوید و در اینجا چنانست که بگوید
قادر است و در اینجا چنانست که بگوید و در اینجا چنانست که بگوید
در این شهر و در اینجا چنانست که بگوید و در اینجا چنانست که بگوید
بکلی میسر تمام و در اینجا چنانست که بگوید و در اینجا چنانست که بگوید
در این شهر و در اینجا چنانست که بگوید و در اینجا چنانست که بگوید



